



Cultural Geography of Kufa in Nahj al-Balaghah (The Peak of Eloquence)*

FatemeH Hosseini Alaei^۱

Abstract



Cultural geography is one of the branches of human geography that examines the reasons for cultural differences and human values in various cultural regions. This paper explores the nature, theoretical foundations, and methodological aspects of the cultural geography of the city of Kufa during the era of Imam Ali. This research aims to analyze and study Kufa during the time of Imam Ali and its key role in the events of subsequent years. Kufa was one of the most influential cities in terms of its geographical location, population, and ethnography. The sermons and letters of Imam Ali regarding this city support the aforementioned claim and demonstrate that Kufa was initially established to be the center of government and rule. Due to cultural differences with other neighboring cities, it had numerous subcultures and, psychologically, its people were unstable and volatile. However, at the same time, it was considered a religious city in terms of its urban model and continues to play a central role. The research methodology employed is analytical-descriptive, utilizing various library resources and software.

Keywords: Cultural Geography, Kufa, Imam Ali, Nahj al-Balaghah (The Peak of Eloquence).

*. **Date of receiving:** ۰۳/۰۱/۱۴۰۱ (March ۲۳, ۲۰۲۲), **Date of approval:** ۰۳/۰۶/۱۴۰۱ (August ۲۰, ۲۰۲۲).

^۱. Assistant Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran; (hoseinif114@pnu.ac.ir).





جغرافیای فرهنگی کوفه در نهج البلاغه*

فاطمه حسینی علانی^۱



چکیده

جغرافیای فرهنگی یکی از شاخه‌های جغرافیای انسانی است که علل تفاوت فرهنگ‌ها و ارزش‌های انسانی را در نواحی فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این نوشتار، به بررسی ماهیت، مبانی نظری و روش‌شناختی جغرافیای فرهنگی شهر کوفه در عصر امام علی^۷ پرداخته شده است. این پژوهش، با هدف تحلیل و بررسی کوفه^۷ زمان امام علی^۷ و نقش کلیدی آن در حوادث سال‌های بعد تهیه شده است. شهر کوفه به‌عنوان تأثیرگذارترین شهرها چه از نظر موقعیت جغرافیایی و چه از نظر جمعیت و مردم‌شناسی می‌باشد. خطبه‌ها و نامه‌های امام علی^۷ درباره این شهر مدعای فوق را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد این شهر از ابتدا با هدف مرکزیت حکومت و فرمانروایی تأسیس شده و به‌جهت اختلاف فرهنگی با دیگر شهرهای مجاور دارای خرده فرهنگ‌های زیادی بوده و از نظر روانشناختی، مردمی متزلزل و بی‌ثبات داشته است؛ اما در عین حال از نظر مدل شهری جزء شهرهای مذهبی محسوب شده و هم‌اکنون نیز نقش محوری دارد. روش این پژوهش، تحلیلی-توصیفی و ابزارش کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای گوناگون می‌باشد.

واژگان کلیدی: جغرافیای فرهنگی، کوفه، امام علی^۷، نهج البلاغه.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ (hoseini114@pnu.ac.ir).

مقدمه

معنای فرهنگ یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که امروزه به‌عنوان یکی از زیر مجموعه‌های علوم اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و با توجه به کاربردهای مختلفی که از لحاظ مفهوم‌شناسی دارد، تعاریف متفاوتی از آن بیان شده است و دانشمندان مختلف به صورت میان رشته‌ای به بررسی مقوله فرهنگ با توجه به مفاهیم آن در هر علم خاص آن را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. امروزه به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم آن را جزئی از جغرافیای انسانی قلمداد کرده و شاخه‌ای به نام جغرافیای فرهنگی را پدید آورده‌اند. (برای مطالعه بیشتر به نشریه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، بهار ۱۳۹۰، شماره ۲۵ مراجعه شود)

در آیات قرآن نیز به مسائل جغرافیای سرزمین‌ها از لحاظ مادی و معنوی توجه خاصی شده و خدای متعال ما را به سیر در آفاق و انفس تشویق می‌فرماید. خداوند فرمود: *Π سنرېهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم الحق O (فصلت: ۵۳)* و نیز فرمود: *Π سیروا فیها لیالی و ایام آمین O (سبا: ۱۸)* خداوند برای مطالعه فرهنگ‌های گوناگون و پی بردن به آداب و رسوم مختلف جوامع و عبرت گرفتن از شکست‌ها و پیروزی‌های جوامع مختلف و توجه به سرگذشت امت‌های گوناگون و همچنین مطالعه اجزاء مختلف خلقت که همگی آنها جزئی از فرهنگ و جغرافیای فرهنگی است و ما را در لابه‌لای آیات خویش به تفکر و تعقل در این امور و می‌دارد و در سوره‌های روم، لقمان، عنکبوت، سبا، فصلت، شوری، زخرف، جاثیه و بسیاری دیگر از سوره‌های قرآن، تشویق به تدبیر و تفکر در امت‌های گذشته را وسیله‌ای برای عبرت‌آموزی ما قرار داده است. بر اساس همین آموزه قرآن، اندیشمندان مسلمان به تحقیق در جغرافیای انسانی سایر ملل علاقه نشان داده و تحقیق کرده‌اند.

در کتاب‌هایی مانند «البلدان» (ابن‌الفقیه، ۱۳۶۹: ۱۰) و «تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام» (ایگناتی یولیانوویچ کرا چکوفسکی، ۱۳۷۹: ۱) و همچنین در کتاب «المسالك و الممالک» (ابن‌خرداذبه، ۱۸۸۹م) و کتاب «آثار البلاد و اخبار العباد» (القزوینی، ۱۳۷۳ش) به تحقیق در این موضوع پرداخته شده است.

بنابراین، توجه به فرهنگ اسلامی و شهرهایی که در اسلام نقش کلیدی در اوجگیری یا افول فرهنگی را داشتند، نویسنده این مقاله را بر آن داشت تا بررسی جغرافیای فرهنگی کوفه به‌عنوان یکی از شهرهای کلیدی در ارتقا و زوال فرهنگ اسلامی را مورد نظر قرار داده و نوشته حاضر را بر اساس مفهوم جغرافیا و جغرافیای فرهنگی، موقعیت جغرافیایی کوفه و نهایتاً بررسی کوفه و جغرافیای فرهنگی آن از منظر امام علی^۷ پایه‌ریزی کند.



الف. جغرافیای فرهنگی

جغرافیا علمی است که از احوال زمین و اوضاع طبیعی، سیاسی و اقتصادی آن بحث می‌کند. اصل این کلمه یونانی است که مرکب است از دو جزء «جنوس» (زمین) و «گرافوس» (تصویر یا نگاشتن)؛ پس معنی آن زمین‌نگاری می‌شود (دهخدا، ۱۳۲۶). مسعودی جغرافی را به «قطع الارض» معنی کرده است؛ یعنی «پیمودن زمین» (مسعودی، ۱۳۸۸).

یکی از شاخه‌های جغرافیا همان جغرافیای فرهنگی می‌باشد که جزئی از جغرافیای انسانی به حساب می‌آید (مهدوی و احمدی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). در جغرافیای فرهنگی، فرهنگ به معنای شیوه زندگی، آداب و رسوم و ساختار قدرت و هم به مفهوم عملکردهای ما؛ مانند اشکال مختلف هنر، معماری، متن شناسی و... است و از این لحاظ فرهنگ به عنوان یک نظام به حساب می‌آید (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۳۸/۱) و از نظر دانشمندان این علم، فرهنگ مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری است که در قالبی مقاوم شکل گرفته است (هاگت، ۱۳۷۳: ۹/۲) و بدین سبب است که رفتارهای مختلف که باعث تحول در سرزمین‌های گوناگون می‌شود جزئی از جغرافیای فرهنگی محسوب می‌شود.

بنابراین، از نظر دانشمندان این رشته، جغرافیا و فرهنگ رابطه‌ای وسیع با یکدیگر داشته و کاملاً با هم پیوند خورده‌اند؛ زیرا انسان همواره خود را جزء سرزمینی می‌داند که در آن پرورش یافته که آن سرزمین دارای شیوه‌ها و الگوهای مختلف رفتاری، آداب و رسوم و سایر مقوله‌هایی است که متعلق به فرهنگ می‌باشند و سخن در این باره بسیار است که به همین اندک بسنده می‌شود. (روح الامینی، ۱۳۷۶: ۲۸) از تمامی اقوال فوق برمی‌آید که جغرافیای فرهنگی علمی است که به مطالعه کیفیت رفتار انسان‌ها، آداب و رسوم و روش‌های مختلف زندگی و تأثیر محیط و سرزمین اشخاص در شکل‌گیری این الگوهای رفتاری می‌پردازد.

به نظر برخی از علمای این رشته، برای بررسی یک ناحیه فرهنگی که از آداب و رسوم و رفتارهای مشترک برخوردار هستند ناگزیریم جغرافیای آن سرزمین را در مطالعه خویش مورد توجه قرار دهیم. زیرا فرهنگ‌ها در قلمرویی محدود و در سرزمینی یکپارچه رشد می‌یابند (رضوانی، احمدی، ۱۳۸۸: ۵۹).

ب. ضرورت بهره‌گیری از جغرافیا در اسلام

بر اساس جهان بینی اسلامی یکی از وظایف مسلمانان سیر در آفاق علاوه بر سیر در انفس می‌باشد. به همین دلیل، بررسی جغرافیای مناطق تأثیرگذار در جهان اسلام از نظر میزان و چگونگی تأثیرگذاری آنها در جهان اسلام ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس همین ضرورت، تحقیقاتی از سوی

دانشمندان در این زمینه صورت گرفته است. کتاب تحقیق ما للهند ابوریحان بیرونی نمونه کامل تحقیقات مسلمین در زمینه جغرافیای انسانی و فولکلور^۱ است (ابن الفقیه، ۱۳۶۹: ۱۰). بر همین اساس، مطالعه شهرهای اسلامی که به نوعی به عنوان مرکز فعالیت‌های فرهنگی-اسلامی محسوب می‌شود، مورد نظر بوده و از بین این شهرها کوفه جایگاه خاص خود را دارد. میزان اهمیت این شهر به قدری است که در نهج البلاغه امام علی^۷ چندین خطبه و نامه در مورد این شهر و مردمانش ایراد فرموده است.

ج. موقعیت جغرافیایی کوفه

کوفه از شهرهای معروف تاریخ اسلام است که کانون حوادث بسیار بوده است. در این که چرا این شهر، به عنوان کوفه نامیده شده، برخی لغت‌شناسان معتقدند این کلمه از لغت «کوفان» گرفته شده که به معنای ریگ‌های دایره‌ای شکل است (ابن منظور، م ۱۳۷۵: ۱۲/۱۸۸). برخی دیگر، بر این باور هستند که کوفه از «تکوف» به معنای تجمع گرفته شده است؛ (ابن الفقیه، ۱۳۶۹: ۱۵۴) زیرا یکی از معانی این واژه، اجتماع است. البته وجه تسمیه‌های دیگری نیز برای آن ذکر شده است. این آبادی، در سنه هفده هجری، در عصر خلیفه دوم، به صورت شهر در آمد و به عنوان بزرگ‌ترین شهر عراق، «قبة الإسلام» و محل هجرت مسلمانان شناخته می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۸۲).

بنا بر روایت «طبری»، خلیفه دوم به سعد بن ابی وقاص نامه نوشت و از او خواست تا مکانی را برای تمرکز سربازان مسلمان پیدا کند. سعد بن ابی وقاص نیز سعد بن حارث یا عثمان بن حنیف را برای پیدا کردن مکانی مناسب مأمور کرد. حاصل این جست‌وجو، انتخاب کوفه بود (طبری، ۱۳۶۲: ۱۷۵۵/۵).

شهر کوفه از هفت قبیله (مقاتله) و به هفت بخش نظامی تقسیم می‌شد که نقاط جمع‌آوری برای بسیج نیروها و اداره حقوق‌ها و غنائم جنگی شد. به هر گروه جبانه (فضای باز برای چرای شتر و برای قبرستان‌ها) داده می‌شد. این جبانه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بودند؛ زیرا فضای کافی را برای کسانی که بعدها به سوی کوفه می‌آمدند و به خویشان خود ملحق می‌شدند، فراهم می‌آورد. گروه‌بندی‌ها به مدت نوزده سال ادامه داشت، تا زمانی که علی^۷ پس از ورود به کوفه در آن تغییراتی را ایجاد نمود (جعفری، ۱۳۵۹: ۹۵) و این شهر را به عنوان پایتخت خلافت انتخاب کرد.

۱. باور عامیانه یا فولکلور (به فرانسوی: Folklore) را می‌توان مجموعه‌ای شامل افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، تاریخ شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، هزلیات، باورهای عامه، رسوم دانست. فولکلور از دو کلمه انگلیسی فولک به معنی توده و لور به معنی دانش تشکیل شده است. (دهخدا، ۱۳۲۶ ش)



این شهر در هشت کیلومتری شرق نجف اشرف بر کرانه رود فرات قرار داشته و ۲۲ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. رود فرات در شرق، صحرا در غرب، شهر باستانی حیره در جنوب غربی (شش کیلومتری آن) و ذی‌الکفل در شمال شرقی آن واقع شده است.

به سبب همین نزدیکی به فرات که در سه کیلومتری شرق این شهر قرار دارد و نیز جاری بودن یکی از شاخه‌های فرات در شرق آن (اصطخریف، ۱۳۸۷: ۸۳؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۷۰/۱)، زمین‌های اطراف شهر حاصلخیز است و به گفته اصطخری «به همین سبب آب و هوای کوفه از بصره خوش‌تر است» (یاقوت حموی، ۱۳۹۹: ۴/۴۹۰).

امام ۷ نیاز داشت در سرزمینی جای‌گزیند و مرکز حکومت را در جایی قرار دهد که از نظر گستردگی جمعیت و توان بسیج نیروی نظامی با شام برابری کند که در آن هنگام هیچ سرزمینی جز عراق، این امکان را نداشت. امام توانست در جنگ جمل حدود بیست هزار تن را بسیج کند و در پیکار صفین حدود نود هزار تن را به میدان نبرد ببرد. چنین بسیج نیرویی در هیچ جای دیگر امکان‌پذیر نبود.

از سویی، وجود نیروهای جنگ آزموده در کوفه، امکانات اقتصادی ارزنده و امکان بسیج نیرو از مناطق شرقی، به دلیل مجاورت با مناطق شرقی چون همدان، سرپل زهاب و اصفهان و داشتن انگیزه مقابله با شامیان و معاویه از دیگر دلایل امام برای انتخاب کوفه به‌عنوان پایگاه خلافت می‌باشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۶۷۱-۶۶۹).

د. ساختار اجتماعی کوفه

شهر کوفه با قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی دارای ساختار بسیار متفاوت و در عین حال درهم تنیده می‌باشد؛ لذا برای مطالعه احوال مردمان آن باید این شهر را در ابعاد مختلف بررسی نمود که مهم‌ترین این شاخصه‌ها عبارتند از:

۱. وجود ادیان مختلف و اقلیت‌های مذهبی

در کوفه گروه‌های مختلف ایرانی، رومی، عراقی، یمنی همراه با عقاید مختلفی مانند یهودیت، مسیحیت، زرتشت و... که مذاهب حذاقلی بودند و مسلمانان که دارای اکثریت جمعیتی به حساب می‌آمدند، زندگی می‌کردند (هادی منش، ۱۳۸۵: شماره ۹۹).

۲. گرایش‌های مختلف فرقه‌های گوناگون اسلامی

از لابه‌لای خطبه‌های نهج البلاغه و متون تاریخی و حدیثی می‌توان فهمید که گروه‌های مختلف فکری مانند خوارج، قدریه، اشاعره، مرجئه، تجسیمیه، معتزله، کیسانیه و فرقه‌های گوناگون شیعه و

اهل سنت در این شهر زندگی می‌کردند (ابراهیمی، ۱۳۹۳) و با توجه به شرایط سیاسی و عقیدتی حاکم بر کوفه برخی از آنان مخالف امیرالمومنین^۷ و برخی دیگر هوادار آن حضرت به حساب می‌آمدند؛ مثلاً برای نمونه می‌توان به خوارج به‌عنوان مخالفین آن حضرت اشاره کرد که علیه آن حضرت شوریدند و جنگ نهروان را به راه انداختند و در تاریخ به نام مارقین مشهور هستند.

۳. اقوام مختلف

شرایط سیاسی و موقعیت جغرافیایی کوفه باعث شد که پس از اینکه کوفه به‌عنوان یکی از شهرهای مهم اسلامی مورد توجه خلفا در قرون نخستین قرار گرفت، اقوام مختلفی مانند کردها، ترکان، اشوریان، سریانیان و پارسیان، عرب‌ها و عجم‌ها، همراه با طبقات خاص اجتماعی مانند امیران، کاتبان، بردگان، اسراء و سربازان لشکر با فرهنگ‌های مختلف زندگی نمایند؛ از این رو، با نگاهی به خطبه‌های نهج‌البلاغه می‌توان این تفاوت‌ها را مشاهده کرد.

۴. زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای در کوفه

نوع زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای در کوفه که ناشی از فرهنگ عربی آن زمان است، باعث می‌شد که مردم کوفه توجه خاصی به افتخارات نسبی و سببی و پیوندهای خویشاوندی داشته باشند. بر این اساس، هفت قبیله در کوفه زندگی می‌کردند که عبارتند از:

- قبیله مذحج به‌همراه حمیر، همدان و هم‌پیمانان آنها که با حکومت مخالف بودند و گاه با آنان درگیر می‌شدند.

- قبیله تمیم به‌همراه قبیله رباب و هم‌پیمانان خود.

- قبیله قضاعة که به‌همراه دیگر عشیره‌هایی چون: غسان، بجیلة، خثعم، کنده، حضرموت و ازد زندگی می‌کرد.

- قبیله کنانة و هم‌پیمانانش از احابیش که از هواداران حکومت مرکزی بودند.

- قبیله اسد به‌همراه غطفان، ضبیعة، تغلب، نمر و معارب.

- قبیله ایاد با قبایل عبدشمس و عک که اهل هجر و حمراء بودند.

- قبیله طی که از یمن آمده بودند.

برخی از این قبایل جزء حامیان اهل بیت نیز به حساب می‌آمدند؛ مانند بنی اسد و مذحج که حبیب بن مظاهر و هانی بن عروه از این دو قبیله بودند.



۵. اختلاف طبقاتی

یکی از معضلات و مشکلات بزرگی که در دوران نخستین اسلام به‌ویژه در زمان عثمان و بعد از وی در حکمرانان منصوب به او خصوصاً معاویه در بلاد اسلامی به‌ویژه کوفه خود را نمایان کرد، همان اختلاف طبقاتی است که حضرت امیر^۷ در خطبه‌های مختلف نهج البلاغه از آن می‌نالد و عزم خود را برای مبارزه با آن نشان می‌دهد (شریف رضی، ۱۳۷۹: خ ۱۶).

ه. جغرافیای فرهنگی کوفه در نهج البلاغه

کتاب شریف نهج البلاغه به‌عنوان معتبرترین کتاب بعد از قرآن کریم در بردارنده سخنان ژرف امیر بیان علی بن ابی‌طالب^۷ می‌باشد. این کتاب در بردارنده مطالب تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و علمی بوده که سال‌ها تحقیق و تفحص در فهم مفاهیم عمیق آن پژوهنده را به اقیانوسی ژرف وارد می‌کند که هر چه به عمق می‌رود به مطالبی نایاب پی می‌برد؛ چراکه این کتاب مبین و مفسر کلام الهی است.

یکی از مطالبی که در این کتاب بخشی را به خود اختصاص داده، کوفه و شرایط آن زمان این شهر است. حضرت گاهی با خود شهر سخن می‌گوید: «ای کوفه تورا می‌بینم که همچون چرم‌های بازار عکاظ کشیده می‌شوی، زیر پای حوادث لگدکوب می‌شوی و حوادث فراوان تورا در بر می‌گیرد. من به خوبی می‌دانم ستمگری نسبت به تو قصد بد نمی‌کند، مگر اینکه خداوند او را به بلا گرفتار کند یا قاتلی بر او مسلط سازد» (شریف رضی، ۱۳۷۹: خ ۴۷) گویی این شهر چشم و گوش و قلبی دارد که می‌فهمد و اثر می‌پذیرد. گاهی مردمش را مورد خطاب قرار داده یا عتاب‌شان می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «ای مردم کوفه بدن‌های شما در کنار هم؛ اما افکار و خواسته‌های شما پراکنده است. سخنان ادعایی شما سنگ‌های سخت را می‌شکنند؛ ولی رفتار سست شما دشمنان را امیدوار می‌سازد» (همان، ۲۹) و یا در جای دیگر می‌فرماید: «ای مردم بی‌اصل و ریشه در یاری پروردگارتان برای چه در انتظارید؟ آیا دینی ندارید که شما را گردآورد یا غیرتی که شما را به خشم آورد؟» (همان، ۳۹) و یا مدح می‌گوید آنجا که در نامه به مردم کوفه پس از پیروزی بر شورشیان بصره که کوفیان نقش تعیین‌کننده داشتند، می‌فرماید: «خداوند شما مردم کوفه را از سوی اهل‌بیت، پاداش نیکو دهد، بهترین پاداشی که به بندگان فرمانبردار و سپاسگزاران نعمتش عطا می‌فرماید؛ زیرا شما دعوت ما را شنیدید و اطاعت کردید، به جنگ فراخوانده شدید و بسیج گشتید» (همان، نامه ۲) یا آنجا که می‌فرماید: «این شهر، شهر ما محله ما و جایگاه شیعیان ما است» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۷: ۱۹۸/۳). گاهی آینده این شهر را ترسیم می‌کند آنجا که می‌فرماید: «به من خیر رسیده که بسربین ارطاه بر یمن تسلط یافته، سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد» (رضی، ۱۳۷۹: خ ۲۵).

«بدانید بعد از من مردی با گلولی گشاده و شکمی بزرگ بر شما مسلط خواهد شد که آنچه پیدا کند، می خورد و تلاش می کند آنچه ندارد به دست آورد. او را بکشید؛ ولی هرگز نمی توانید او را بکشید» (همان، خ ۵۷).

۱. مردم شناسی کوفه

شهر کوفه در سال ۱۷ هجری به دستور خلیفه دوم و سعد بن ابی وقاف پایه ریزی شد. با توجه به این که کوفه برای هماهنگی و جمع آوری سپاهیان و محیا کردن ساز و برگ جنگی برای فتوحات در کشورهای مجاور از جمله ایران بسیار مکان مناسبی بود؛ به دستور عمر مسجدی با مساحت بسیار زیاد در این شهر ساخته شد که این مسجد گنجایش ۴۰ هزار نفر را داشت؛ بنابراین، با احتساب این تعداد و حضور خانواده سپاهیان در شهر کوفه می توان به این نکته دست یافت که جمعیت کوفه در زمان خلافت عمر بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر بوده است.

کوفه پس از تأسیس به علت آب و هوای خوش و نزدیکی به فرات، همسایگی ایران و وضعیت اقتصادی نیکویی که از راه غنایم و خراج سرزمین های فتح شده کسب نموده بود، پذیرای سیل مهاجرت اقوام و گروه های مختلف از سرتاسر مملکت وسیع اسلام آن روز گردید. این مهاجرت ها به خصوص در سال ۳۶ هجری که حضرت علی (ع) این شهر را پایتخت کشور اسلامی قرار دادند شدت بیشتری به خود گرفت.

قطعا حضرت امیر (ع) شهر کوفه را دارای ویژگی هایی یافتند که آن را مرکز خلافت خویش ساختند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد:

الف: ریشه سیاسی و مبارزاتی کوفیان با خلافت کوفیان در پایان حکومت عثمان جزء شورشیان اصلی بر ضد حکومت وی می باشند. (طبری، ۱۳۶۲: ۳/۳۲۹ و ۵۱۳)

ب: پیشگامی کوفیان در بیعت با حضرت. در حالی که مردم مدینه در بیعت با حضرت امیر تامل می ورزیدند، مردم کوفه پیش دستی کرده و دست میثاق و بیعت به وی دادند و آن جناب را تأیید نمودند. (رضی، ۱۳۷۹: خ ۸۵/۹۲).

ج: وجود دوستان یمنی در سپاه علی (ع). بسیاری از دوستان یمنی که از قدیم با امیرالمومنین به واسطه هدایت ایشان سابقه رفاقت و همراهی داشتند با آن جناب به کوفه آمده بودند (صفری، ۱۳۹۱: ۲۰۹).

د: مهاجرت برخی از اصحاب پیامبر به کوفه. بسیاری از اصحاب پیامبر در دوران خلیفه دوم و برخی از آنان نیز همراه با امیرالمومنین به کوفه آمدند. اصحابی چون ابن مسعود و ابوموسی در زمان عمر به کوفه آمدند. برخی از اصحاب مانند جناب ابن ارت (طبری، ۸۷—۱۳۸۲: ۶۱/۵)، عثمان بن



حنیف (کمونہ حسینی، ۱۳۸۹: ۲۵۲)، احنف بن قیس (بلاذری، ۱۹۷۹: ۵۰/۵) و... از جمله کسانی هستند که جزء صحابی پیامبر بوده و ارادت ویژه به امیرالمومنین داشته و با وی در جنگ‌های مختلف از جمله صفین، جمل و نهروان شرکت کردند.

ه: وجود غیرعرب‌ها در کوفه و عدالت‌ورزی علی^۷. بسیاری از انسان‌های شایسته از جمله ایرانیان و رومیان و... در کوفه زندگی می‌کردند که حضرت علی^۷ توجه خاصی نیز به آنان داشتند؛ زیرا حضرت بین عرب و عجم تفاوتی قائل نبودند (رجبی، ۱۳۶۵: ۱۳۷).

و: وجود جنگ‌آوران دلاور و حامیان واقعی در کوفه. بسیاری از اصحاب پیامبر که در جنگ‌های مختلف آن حضرت حضور داشتند همراه امیرالمومنین در کوفه نیز بودند. (طبری، ۱۴۰۳: ۵۰۲/۳) برخی از آنان، حتی مورد ستایش امیرالمومنین^۷ نیز می‌باشند؛ مانند: خباب بن ارت (طبری، ۸۷ - ۱۳۸۲: ۶۱/۵) و برخی در رکاب حضرت به شهادت رسیدند؛ مانند عمار بن یاسر، خزیمه بن ثابت و... (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۵۹/۳).

ز: سوق الجیشی بودن کوفه از لحاظ جغرافیایی. چون کوفه از زمان خلافت خلیفه دوم مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و به نوعی با ایران نیز در هم‌سایگی قرار داشت از شرایط سوق الجیشی خاصی برخوردار بود؛ زیرا پل ارتباطی بین عرب و عجم به حساب می‌آمد (یاقوت حموی، ۱۳۹۹: ۴۹۰/۴). ویژگی‌های فوق و برخی از امتیازات دیگر باعث شد که حضرت علی^۷ پس از خلافت به کوفه آمده و آن شهر را مرکز حکومت خویش قرار دادند (برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه شود: نام، ۱۳۸۴؛ بلاذری، ۱۹۷۹: ۵۰/۵؛ کمونہ حسینی، ۱۳۸۹: ۲۵۲ و...).

۲. سیر تاریخی و نقش آن در صدور سخنان علی^۷ درباره مردم کوفه

با کمی دقت در بیانات امام علی^۷ متوجه نقش تدریجی تحولات زمانی در شکل‌گیری سخنان آن حضرت درباره مردم کوفه خواهیم شد و به نوعی جغرافیای فرهنگی کوفه را نشان خواهد داد که باعث تحلیلی جدید نسبت به مردم کوفه خواهد شد. حضرت علی^۷ قبل از ورود به کوفه، مردم کوفه را انسان‌هایی با ایمان و از بلندمرتبان مسلمان می‌داند (براقی نجفی، ۱۴۰۷: ۱۰۷)، و در جای دیگر، علاقه و دوستی شدید خود را نسبت به مردم کوفه ابراز می‌دارد (طبری، ۱۴۰۳: ۳۹۳/۳). در جایی دیگر، مردم کوفه را از برجستگان انصار و بزرگان عرب دانسته و از آنان طلب نصرت کرده است. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱۶/۱۴).

تمامی این اوصاف از حضرت امیر در ابتدای خلافت خود در کوفه چهره واقعی اصحاب وی را نمایان می‌سازد. افرادی چون عمار یاسر، خباب بن ارت، ابن‌تیهان، خزیمه بن ثابت، حجر بن عدی کندی، مالک اشتر نخعی و... که بسیار ثابت قدم بوده و برخی از آنان در جنگ‌های جمل و صفین به شهادت رسیدند. (شریف رضی، ۱۳۷۹: خ ۱۸۲: ۱۹۲)

چه شد که لشکریان مخلص امیرالمومنین که باعث پیروزی برای سپاه آن حضرت بودند، ناگهان دچار فروپاشی شد. این همان سوالی که گذشت زمان به آن پاسخ می‌دهد. سران لشکر حضرت امیر انسان‌های مخلص و باوفا بودند؛ اما عموم سربازان آن حضرت کم‌کم تحت تأثیر فریب‌های معاویه واقع شدند و سستی لشکر حضرت علی^۷ در اواخر جنگ، خود را نشان داد.

خواص فریب‌خورده کوفه مانند اشعث بن قیس و... تحت تأثیر تحولات اجتماعی که عامل آن نفوذ معاویه و خودفروشی اصحاب خاص است باعث دو دستگی در لشکر امیرالمومنین می‌شود. تمامی این امور در طی گذشت زمان جزئی از جغرافیای فرهنگی کوفه است که در لابه‌لای سخنان آن حضرت مشاهده می‌شود.

نادانی مردم، سکوت خواص و آلودگی جامعه به دلیل نفوذ دسیسه‌های معاویه در آن، همگی ناشی از رفتار ناصحیح کوفیان اینک که قبل از آن نیز مردم بصره در جنگ جمل دچار آن شده بودند. برای نمونه، توصیفی از مروان حکم که از نفوذی‌های بنی‌امیه است آورده می‌شود. آن حضرت می‌فرماید: «دست بیعت او مانند دست یهودیان ماند، دست را به ظاهر برای بیعت جلو می‌آورد و دم را به نشان خیانت می‌جنباند، آگاه باشید که درنگ او در ریاست دنیا به قدر لیسیدن سنگ بیشتر نیست. او پدر چهار نره قوچی است که امت اسلامی از او و فرزندانش روزهای خونینی را خواهند دید» (شریف رضی، ۱۳۷۹: خ ۷۳: ۵۵).

۳. بررسی اخلاق کوفیان

شهر کوفه به‌عنوان مرکز خلافت امام علی^۷، تحت تأثیر حوادث پس از رحلت رسول خدا و عملکرد خلفا در اداره امور جامعه دچار دگرگونی‌ها و آسیب‌هایی در حوزه اخلاق اجتماعی شده بود. بی‌تفاوتی، منفعت‌طلبی، بی‌بصیرتی، سستی و عدم اطاعت از رهبر جامعه، از جمله آسیب‌هایی بودند که مانع تدابیر امام علی^۷ برای اصلاح شرایط نامناسب و رسیدن به اهداف صحیح جامعه مسلمین بود. امام بارها با خطبه‌های خویش این آسیب‌ها را متذکر شدند. گاهی مردم را متوجه دنیاطلبیشان می‌کردند. امام در فرازهایی به این نکته اشاره فرموده‌اند. ذیلاً فراخور پژوهش حاضر، به بررسی برخی از این مطالب می‌پردازیم.

۱-۳. بی‌تفاوتی

بی‌تفاوتی یکی از ویژگی‌های جامعه کوفه در کلام امام علی^۷ است که در این زمینه امام^۷ در سخنی پس از حمله غامدی به انبار در سال ۳۸ هجری می‌فرمایند: «و اینک، فرمانده معاویه، (مرد غامدی) با



لشکرش وارد شهر انبار شده و فرماندار من، «حسن بن حسن بکری» را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است. به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده و خلخال، دستبند، گردن‌بند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده؛ در حالی که تنها وسیله دفاع آنان تزرع و گریه بوده است؛ حال آنکه شامیان بدون این که حتی یک نفر آنان، زخمی بردارد، و یا قطره خونی از او ریخته شود با غنیمت‌های بسیار به مقر خود برگشتند. بنابراین، چنانچه از این حادثه غمناک و تلخ مسلمانی جان دهد نه تنها ملامت نمی‌شود؛ بلکه سزاوار است.» (همان، خ ۲۷). در جای دیگر، امام ۷ می‌فرماید: «گرفتار کسانی شده‌ام که چون امر می‌کنم، فرمان نمی‌برند و چون می‌خوانم، پاسخ نمی‌دهند. ای ناکسان، برای چه در انتظارید؟ و چرا برای یاری دین خدا گامی بر نمی‌دارید؟ دینی کو تا فراهمتان آرد؟ غیرتی کو تا شما را به غضب آرد؟» (همان، خ ۳۹).

و نیز در خطبه‌ای دیگر، امام علی ۷ در ملامت و مذمت بعضی از یارانش فرموده است: «... چون جماعتی از سپاهیان شام به شما نزدیک می‌شوند، هر کدامتان درب را به روی خود می‌بندید و همچون سوسمار در خانه خود می‌خزید و همانند کفتار در خانه خود پنهان می‌شوید... آن گونه که به باطل متمایل و به آن آشنائید به حق آشنائی ندارید و آن چنان که در نابودی حق می‌کوشید برای از بین بردن باطل قدم بر نمی‌دارید.» (همان، خ ۶۹).

لحن این بیان امام بسیار سوزان است و نشان می‌دهد که امام از جرأت و جسارت لشکریان شام و بی‌تفاوتی و بی‌خیالی لشکریانش به تنگ آمده و از سویدای دل‌بیاناتی آتشین را بر زبان جاری فرموده است. همچنین به نظر می‌رسد که حضرت از زبونی و عافیت طلبی گروهی از کوفیان و عراقیان و بی‌غیرتی آنان در برابر سپاه شام، مطمئن بودند و سعی کردند با ایراد خطبه‌های آتشین آنان را به نشان دادن غیرت و مردانگی ترغیب کنند؛ بلکه بتوانند جلو زیادی خواهی شامیان را بگیرند و تعرض آنان را به جان و مال مردم متوقف نمایند. و بالاخره محتوای این خطبه و خطب مشابه نشان می‌دهد که امام علی ۷ به‌عنوان رهبری که واجب‌الاطاعة از داشتن چنین یارانی که تمام هم‌میشان دنیاشان است، بسیار رنجیده‌اند و البته واضح است که این رنجش به خاطر عاقبت سوئی است که در انتظار کوفیان می‌باشد؛ حضرت تمام تلاششان را برای آنان می‌کند که تا قبل از اینکه راه بر آنان بسته شود، کاری کنند و جان و مال و ناموس خود را در برابر دشمنان مسلمانان که علاوه بر مجهز بودن از بی‌غیرتی سپاه امام کاملاً مطلع است و در برابر این بی‌غیرتی بسیار جسور گشته، محافظت کنند و با اتحاد شجاعانه در برابر دشمن ایستاده و بر سر جای خود بنشانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۳۳/۳، خ ۶۹).

۲-۳. بی بصیرتی

عدم بصیرت در مواجهه با حوادث و مسائل مختلف روزگار، یکی از آسیب‌های اخلاقی در یک جامعه است که امام ۷ در بیاناتی به این خصلت اشاره و می‌فرماید: «...ای اهل کوفه گرفتار شما شده‌ام که سه چیز دارید و دو چیز ندارید: کراهی با گوش‌های شنوا، گنگ‌هایی با زبان گویا، کورانی با چشم‌های بینا. نه در روز جنگ از آزادگانید و نه به‌هنگام بلا و سختی برادران یکرنگ می‌باشید. تهی دست مانید...» (شریف رضی، ۱۳۷۹: خ ۹۷).

چنانکه بسیاری از شارحان نهج‌البلاغه آورده‌اند حضرت زمانی این خطبه را ایراد فرموده‌اند که یاران وی پس از جنگ نهروان که سپاهیان معاویه به غارت‌گری مشغول شده بودند برای مبارزه با آنان از فرمان حضرت سرپیچی کردند. بخش اول خطبه که با الفاظ بسیار توبیخ‌آمیز و سرزنش‌کننده همراه است، می‌خواهد یاران خود را از خواب غفلت با تحریک انگیزه و غیرت آنان بیدار ساخته و به مقابله با سپاهیان معاویه و دفع ظلم آنان از بلاد اسلامی برانگیزاند. در بخش دوم نیز آن حضرت، یاران خود را به تبعیت از اهل بیت که همان راه هدایت واقعی و یادآور حدیث ثقلین است تشویق می‌فرماید (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۸۵۴/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۹۷/۴-۲۹۱). همچنین از این خطبه برمی‌آید که اساس پیروزی در جنگ نظم و انضباط جنگی، یکپارچگی در آرا و تبعیت از رهبر و فرمانده جنگی است. لذا حضرت اشاره می‌فرماید که شامیان بر عراقیان پیروز می‌شوند؛ زیرا در باطل خویش با هم متحد بوده؛ اما یاران او در راه حق خود از یکدیگر جدا و پراکنده‌اند و بر همین قاعده، بسیاری از لشکریان کفر و شرک بر لشکریان توحید پیروز می‌شوند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۷ - ۱۳۷۹: ۳۷۱/۳).

همچنین آن حضرت در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه نیز بی‌بصیرتی اصحاب خود را به آنان گوشزد کرده و با الفاظی حسابگرانه به آنان می‌فرماید: «...شما را فریب می‌دهند اما فریب‌دادن نمی‌دانید، سرزمین شما را پیاپی می‌گیرند و شما پروا ندارید، چشم دشمن برای حمله شما خواب ندارد؛ ولی شما در غفلت به سر می‌برید...» (رضی، ۱۳۷۹: خ ۳۴).

از این خطبه نیز برمی‌آید که اگر گروهی ولو حق باشند؛ اما بی‌برنامه و با غفلت در مقابل دشمن خویش زمینه سیطره آنان را فراهم سازند و هر روز سرزمین‌های آنان از چنگ شان خارج شده و جان و مالشان غارت گردد، قطعاً آن گروه با سرنوشتی شوم مواجه خواهند شد و... (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۳۳/۲-۳۲۳).

۳-۳. سست عنصری



امام علی^۷ در موارد مختلفی به بی‌ثباتی خوی جامعه کوفه در برخورد با مسائل اشاره نموده و می‌فرماید: «...صبحگاهان کجی‌های شما را راست می‌کنم، شامگاهان به حالت اول برمی‌گردید، چونان کمان سختی که نه کسی قدرت را ست کردن آن را دارد و نه خودش قابلیت را ست شدن را دارا است. ای مردم که بدن‌های شما حاضر، عقل‌های شما پنهان و افکار و آراء شما گوناگون است و زمامداران شما دچار مشکلات شمایند. رهبر شما از خدا اطاعت می‌کند، شما با او مخالفت می‌کنید؛ اما رهبر شما میان خدای را معصیت می‌کند، از او فرمانبردارند...» (همان، خ ۹۷).

او بدین شکل به عراق نمی‌آمد، هرچند مشکل معاویه و قاسطین و رویارویی آنان با امام^۷ و حکومت او، از ابتدای سرکار آمدن وی وجود داشت و برای مقابله با آنان، عراق تنها پشتوانه مناسب بود. امام^۷ بعدها در سخنی خطاب امام علی^۷، همراه با گروهی از مردم و بزرگان بصره در روز دوشنبه، دوازدهم رجب سال ۳۶ وارد شهر کوفه شدند. (منقری، ۱۳۶۴: ۱۳۶۴/۲۱ و ۲۳) حرکت امام^۷ به سوی عراق در ابتدا امری خود خواسته نبود؛ بلکه فتنه جمل، امام^۷ را به عراق کشانید و اگر چنین نمی‌شد، به عراقیان، ضمن گلایه از رفتار آنان و ناهمراهی آنها، به آمدن به ناچار خود به عراق اشاره و می‌فرماید: «ای مردم عراق، همانا شما به زن بارداری می‌مانید که در آخرین روزهای بارداری جنین خود را سقط کند و سرپرستش بمیرد و زمانی طولانی بی‌شوهر ماند و میراث او را خویشاوندان دور غارت کنند. آگاه باشید من با اختیار خود به سوی شما نیامدم؛ بلکه به طرف دیار شما کشانده شدم.» (رضی، ۱۳۷۹: خ ۷۱).

چنانچه در وصف شهر و جامعه کوفه می‌فرماید: «کوفه خاکی است که ما را دوست دارد و ما نیز دوستش داریم» و در سخنی دیگر می‌فرماید: «این شهر؛ شهر ما؛ محله ما و جایگاه شیعیان ما است.» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۱۹۸/۳).

آنچه در اندرز کوفیان فرمودند: «... آنچه به شما خبر می‌دهم از پیامبر امی^ک است، نه گوینده دروغ گفت و نه شنونده ناآگاه بود. گویا می‌بینم شخص سخت گمراهی را که از شام فریاد زند و بتازد و پرچم‌های خود را در اطراف کوفه بپراکند و چون دهان گشاید و سرکشی کند و جای پایش بر زمین محکم گردد، فتنه فرزند خویش را به دندان گیرد و آتش جنگ شعله‌ور شود. روزها با چهره عبوس و گرفته ظاهر شوند و شب و روز با رنج و اندوه بگذرند و آنگاه که کشتزار او به بار نشست و میوه او آبدار شد و چون شتر مست خرو شید و چون برق درخشید، پرچم‌های سپاه فتنه از هر سو به اهتزاز درآید و چونان شب تار و دریای متلاطم به مردم روی آورند. از آن بیشتر، چه طوفان‌های سختی که شهر کوفه را بشکافد و چه تندبادهایی که بر آن وزیدن گیرد و به زودی دسته‌جات مختلف به جان یکدیگر یورش آورند: آنها که بر سر پا ایستاده‌اند درو شوند و آنها که بر زمین افتادند، لگدمال گردند.» (رضی، ۱۳۷۹: خ ۱۰۱).

امام^۷ از روی دل‌سوزی و خیرخواهی از آینده وحشتناکی برای جامعه کوفه پرده برداشتند تا آنها

هوشیار شوند و زمینه‌های چنین پیشامدی را به دست خود فراهم نسازند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۶۷۵).

۳-۴. بهانه‌جویی

یکی دیگر از ویژگی‌های مردم کوفه در برخورد با مسائل خوی بهانه‌جویی است، چنانچه امام ۷ می‌فرماید: «...وقتی در تابستان فرمان حرکت به سوی دشمن می‌دهم، می‌گویید هوا گرم است. مهلت ده تا سوز گرما بگذرد و آنگاه که در زمستان فرمان جنگ می‌دهم، می‌گویید هوا خیلی سرد است، بگذار سرما برود. همه این بهانه‌ها برای فرار از سرما و گرما بود. وقتی شما از گرما و سرما فرار می‌کنید، به خدا سوگند که از شمشیر بیشتر گریزانید...» (همان، خ ۹۷).

«هر چه شما را دعوت می‌کنم اجابت نمی‌کنید. گرفتار مردمی شده‌ام که هر گاه فرمانشان دهم، اطاعت نمی‌کنند و چون دعوتشان نمایم اجابت نمی‌نمایند. ای بی‌اصل‌ها! در یاری پروردگارتان منتظر چه هستید؟ آیا دین ندارید که شما را گردآورده؟ و یا غیرتی که شما را به خشم وادارد؟ در میان شما به پا خاسته‌ام! هر چه فریاد می‌کشم و از شما یاری می‌طلبم، سخن مرا نمی‌شنوید و از دستورم اطاعت نمی‌نمائید تا چهره واقعی کارهای بد آشکارا گردد؛ نه با شما می‌توان انتقام خونی گرفت و نه با کمک شما به هدف می‌توان رسید، شما را به یاری برادرانتان دعوت کردم، همانند شتری که از درد بنالد آه و ناله سر دادید و یا همانند حیوانی که پشتش زخم باشد، کُندی کردید. تنها گروه کمی به سوی من شتافتند؛ اما آنها نیز افراد مضطرب و ناتوانی بودند که گویا آنها را به سوی مرگ می‌برند؛ در حالی که آن را با چشم خود می‌نگرند!

این خطبه را امام علی ۷ در مورد حمله و غارت «نعمان بن بشیر انصاری» در «عین التمر» که آبادی در قسمت غربی فرات می‌باشد ایراد فرموده است (ابن ابی‌الحدید، ۳۰۱/۲). پیدا است این غارتگری که سرچشمه آن ضعف و ناتوانی مردم عراق بود، امام ۷ را شدیداً به خشم آورده و جمله‌های بالا را به عنوان سرزنش آن مردم بیان فرموده است.

ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: معاویه «نعمان بن بشیر» و «ابو هریره» را به سوی امام علی ۷ فرستاد تا از او بخواهند قاتلان عثمان را به معاویه تحویل دهد. این کار را معاویه به خاطر آن انجام داد که این دو نفر بداندند امام ۷ کشتندگان عثمان را تحویل نمی‌دهد و در بین مردم شام به این مطلب گواهی دهند. آنها نزد امام آمدند و شرافت و فضیلت امام ۷ را در اسلام یادآور شدند و پیغام معاویه را رساندند. امام فرمود در این باره سخنی نگوئید. سپس به نعمان بن بشیر فرمود: ای بشیر از خود سخن بگو، تمام انصار با من همراهند جز تو و چند نفر دیگر. او گفت: من نیز با شما همراهم.

ابو هریره به شام برگشت و جریان را به معاویه گفت: نعمان هم يك ماه نزد امام ماند و سپس به سوی



معاویه فرار کرد و در «عین التمر» «مالک بن کعب» فرماندار امام او را دستگیر ساخت؛ ولی با وساطت «قرظة بن کعب» که مأمور جمع‌آوری خراج از طرف امام ۷ بود آزاد شد و به شام رفت.... پس از آن از طرف معاویه به فرماندهی دو هزار نفر برای حمله به یکی از ولایات عراق به پیشنهاد خودش انتخاب شد. او به «عین التمر» که «مالک بن کعب» از طرف امام بر آنجا حکومت می‌کرد، حمله برد. مالک بیش از هزار نفر یاور نداشت و لذا نامه‌ای به امام نوشت و از حضرتش کمک خواست.... بالاخره نعمان به مالک حمله کرد و مالک از درون قریه با او به نبرد پرداخت و «عبدالله حوزة ازدی» را فرستاد تا از یاران امام کمک بگیرد. او از «مخنف بن سلیم» ۵۰ نفر کمک گرفت. آنان هنگامی که به «عین التمر» رسیدند، مالک و یارانش غلاف‌های شمشیر را شکسته و آماده مرگ بودند.

اما هنگامی که چشم مالک و یارانش به آنها افتاد، قوی‌دل گشتند و نعمان فکر کرد باز هم برای آنها کمک می‌رسد، ترسید. نعمان مغلوب گشت و شبانه به سوی شام گریخت، مالک نامه‌ای به امام نوشت و جریان پیروزی خود را شرح داد. در موقعی که مالک از امام کمک خواست، امام ۷ چند بار سخنرانی کرد و مردم را برای کمک به او دعوت نمود؛ اما متأسفانه مردم وظیفه‌شناس و بزدل مسامحه می‌نمودند. اینجا بود که امام خطبه مورد بحث را ایراد فرمود؛ ولی در این هنگام «عدی ابن حاتم» خدمت امام آمد و گفت: من با هزار نفر از طایفه طی برای دفاع آماده هستم. امام ۷ به او دستور داد در نخیله لشکرگاه زند و پیش از اینکه فرمان حرکت صادر کند، نامه مالک در مورد هزیمت نعمان ابن بشیر به امام ۷ رسید (اقتباس از ابن ابی‌الحدید، ۳۰۱/۲-۳۰۵).

نتیجه‌گیری

۱. کوفه به‌عنوان یکی از مراکز استراتژیک و قابل توجه در بلاد اسلامی همواره مطمع نظر جغرافی‌دانان مسلمان بوده است.
۲. سخنان ارزشمند مولای متقیان در مورد کوفه به خوبی جغرافیای فرهنگی این شهر را ترسیم نموده است. این شهر از نظر امیرالمؤمنین از یک سو، مردمانی سست و بی‌اراده دارد که مانند بید با هر بادی به یک سو می‌روند و از سوی دیگر، مردم همین شهر انسان‌هایی توانمند و با اراده‌اند که دشمنان از آنان هراسناک هستند.
۳. از آنجا که کلام امیرالمؤمنین نمی‌تواند متناقض باشد، باید نقطه افتراق و تشتت فکری مردم کوفه مکشوف گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این نقطه افتراق سردمداران کوفه هستند که از مردم کوفه دو گونه انسان ساخته‌اند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه و تحشیه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۷-۱۳۷۹ش.
۳. ابن الفقیه، احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی، البلدان ما، ترجمه: بنیاد فرهنگ ایران، بی جا، ۱۳۶۹ش.
۴. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، مترجم: محمدعلی موحد، سفرنامه ابن بطوطه، تهران: آگه، ۱۳۷۶ش.
۵. ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله ابن خردادبه، المسالك و الممالك (ابن خردادبه)، بیروت: دارصادر افست لیدن، ۱۸۸۹م.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۰ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۳۷۵ق.
۸. ابن میثم، کمال الدین، شرح نهج البلاغه ابن میثم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۹. ابراهیمی، زینب، فرق اسلامی در دوره بنی امیه، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳ش.
۱۰. ابوالقاسمی، محمدجواد، شناخت فرهنگ، تهران: عرش پژوه، ۱۳۸۵ش.
۱۱. ازدی الکوفی، لوط بن یحییبن سعید، تاریخ ابی مخنف، تحقیق: کامل سلمان الجبوری، بیروت: دارالمحججه البیضاء و دارالرسول الاکرم، ۱۴۱۹ق.
۱۲. اصطخری، ابراهیم بن محمد، المسالك و الممالك، تهران: موزه ملی ایران، ۱۳۸۷ش.
۱۳. ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی، ج ۱، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۴. براقی نجفی، سیدحسین، تاریخ الکوفه، تحقیق: سیدمحمدصادق بحرالعلوم، چ چهارم، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۷ق.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: محمدحمیدالله، مصر: دارالمعارف، ۱۹۵۹م.
۱۶. جردن، تری ج. و راونتری، لستر، مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی، بی جا، بی نا، ۱۳۸۰ش.



۱۷. جعفری، سیدحسین، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سیدمحمدتقی آیت‌الاهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ش.
۱۸. جعفری، یعقوب، بینش تاریخی نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۱۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، لوح بینایی: تحلیل تاریخ حکومت امام علی ۷، ۱۳۹۳ش.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۶ش.
۲۱. رجبی، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین ۷، ۱۳۶۵ش.
۲۲. رشاد، علی‌اکبر، دانشنامه امام علی ۷، تحقیق: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۲ش.
۲۳. رضوانی، محمدرضا؛ احمدی، علی، «مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی»، فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی، دوره سوم، شماره ششم، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸ش.
۲۴. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، چاپ دوم، تهران: پیام نور، ۱۳۷۶ش.
۲۵. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ش.
۲۶. شریف رضی، محمد بن حسین، مترجم: دشتی، محمد، نهج‌البلاغه، قم: مشهور، ۱۳۷۹ش.
۲۷. شکویی، حسین، اندیشه‌های نور در فلسفه جغرافیا، ج ۱، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۷۵ش.
۲۸. صفری، نعمت‌الله، کوفه از پیدایش تا عاشورا، قم: موسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۱ش.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، یا تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲ش.
۳۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تاریخ طبری، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۳۱. عاملی، سعیدرضا، «هویت‌های فرهنگی قدیم و جدید: رمزگشایی تمدنی و معماری سنتی - مدرن و ملی - فراملی مهستان»، فصلنامه صادق، دانشگاه امام صادق ۷، شماره ۳۰، ۱۳۸۵ش.
۳۲. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، ج ۱، امیرکبیر - تهران، ۱۳۷۳ش.
۳۳. کمونه حسینی، عبدالرزاق، آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹ش.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۵ش.
۳۵. منقری، نصرین مزاحم، واقعه صفین در تاریخ، مترجم: کریم زمانی، تهران: رسا، ۱۳۶۴ش.
۳۶. مهدوی، مسعود؛ احمدی، علی، جغرافیای فرهنگی، تبیین نظری و روش شناختی کاربرد در مطالعات نواحی فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
۳۷. نادم، محمدحسن، خاستگاه فرهنگی نهج البلاغه، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۴ش.
۳۸. هاگت، پیتر، جغرافیا ترکیبی نو، ترجمه: شاپور گودرزی نژاد، ج ۲، تهران: سمت، ۱۳۷۳ش.
۳۹. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، مترجم: منزوی، علی نقی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰ق.
۴۰. یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.



Bibliography

۱. Abul-Qasimi, Mohammad Javad, *Shinakht -e- Farhang (Understanding Culture)*, Tehran: Arsh -e- Pajooch, ۱۳۸۵ SH / ۲۰۰۶ CE.
۲. Ameli, Saeed Reza, "Old and New Cultural Identities: Decoding Civilization and Traditional-Modern, National-Transcendent Architecture," *Sadiq Quarterly*, Imam Sadiq University, No. ۳۰, ۱۳۸۵ SH / ۲۰۰۶ CE.
۳. Azdi al-Kufi, Lut bin Yahya bin Sa'id, *Tarikh Abi Makhnaf (The History of Abu Makhnaf)*, Edited by Kamal Salman al-Jibouri, Beirut: Dar al-Mahajjah al-Bayda' and Dar al-Rasul al-Akram, ۱۴۱۹ AH.
۴. Baladhuri, Ahmad bin Yahya, *Ansab al-Ashraf (Genealogies of the Nobles)*, Edited by Mohammad Hamidullah, Egypt: Dar al-Ma'arif, ۱۹۵۹ CE.
۵. Baraqi Najafi, Seyyed Hossein, *Tarikh al-Kufah (The History of Kufa)*, Edited by Seyyed Mohammad Sadiq Bahral 'Ulum, Vol. ۴, Beirut: Dar al-Adwa', ۱۴۰۷ AH.
۶. Dehkhoda, Ali Akbar, *Dehkhoda's Dictionary*, Tehran: University of Tehran, ۱۳۲۶ SH ۱۹۴۷ CE.
۷. Delshad Tehran, Mustafa, *Lawh-i Binayi: Tahlil-i Tarikh-i Hokumat-i Imam 'Ali (The Tablet of Vision: Analysis of the History of Imam Ali's Governance)*, ۱۳۹۳ SH / ۲۰۱۴ CE.
۸. Haggett, Peter, *New Combinatorial Geography*, Translation: Shapour Goodarzi Nezhad, Vol. ۲, Tehran: SAMT, ۱۳۷۳ SH / ۱۹۹۴ CE.
۹. Ibn Abi al-Hadid, 'Izaddin, *Jalwah-i Tarikh dar Sharh Nahj al-Balaghah (The Manifestation of History in the Commentary on Nahj al-Balaghah)*, Translated and Annotated by Mahmoud Mahdavi Damghani, Tehran: Nashr-i Ney, ۱۳۶۷ SH - ۱۳۷۹ SH / ۱۹۹۸ CE - ۲۰۰۰ CE.
۱۰. Ibn Abi al-Hadid, 'Izd al-din, *Sharh Nahj al-Balagha (Commentary on Nahj al-Balaghah)*, Edited by Mohammad Abu al-Fadl Ibrahim, Beirut: Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyya, ۱۳۸۵ AH.
۱۱. Ibn al-Faqih, Ahmad bin Mohammad bin Ishaq al-Hamadani, *Al-Buldan Ma' (The Countries Ma')*, Translated by Bonyad Farhang Iran, n.d.
۱۲. Ibn Battuta, Mohammad bin Abdullah, Translated by Mohammad 'Ali Muahhid, *Safarnama Ibn Battuta (The Travelogue of Ibn Battuta)*, Tehran: Agah, ۱۳۷۶ SH / ۱۹۹۷ CE.
۱۳. Ibn Khurdadbeh, Abu al-Qasim 'Abdullah bin 'Abdullah, *Al-Masalik wa al-Mamalik (Ibn Khurdadbeh) (The Roads and the Kingdoms (Ibn Khurdadbeh))*, Beirut: Dar Sadir Offset Leiden, ۱۸۸۹ CE.
۱۴. Ibn Manzur, Mohammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dar Sadir, ۱۳۷۵ AH.
۱۵. Ibn Maytham, Kamal al-Din, *Sharh Nahj al-Balagha Ibn Maytham (Commentary on Nahj al-Balagha by Ibn Maytham)*, Mashhad: Foundation for Islamic Research, ۱۳۷۵ SH / ۱۹۹۶ CE.
۱۶. Ibn Sa'd, Mohammad bin Saad, *Al-Tabaqat al-Kubra (The Great Classes)*, Beirut: Dar Sadir, ۱۴۱۰ AH.
۱۷. Ibrahimi, Zainab, *Firaq Islami dar Doreh Banu Umayya (Islamic Sects during the Umayyad Period)*, Research Center of Baqir al-'Ulum, ۱۳۹۳ SH / ۲۰۱۴ CE.
۱۸. Ignatiyevich Krachkovsky, Yu. Yulianovich, *Tarikh-i Nawishtahay-i Ğugrafiyāyī dar Jahan-i Islami (History of Geographical Writings in the Islamic World)*, Vol. ۱, Scientific and Cultural Publications Company, Tehran, ۱۳۷۹ SH / ۲۰۰۰ CE.

۱۹. Istakhri, Ibrāhīm bin Muḥammad, *Al-Masalik wa al-Mamalik (The Roads and the Kingdoms)*, Tehran: Iran National Museum, ۱۳۸۷ SH / ۲۰۰۸ CE.
۲۰. Ja'fari, Seyyed Hossein, *Tashayyu' dar Masir-i Tarikh (Shi'ism in the Course of History)*, Translated by Seyyed Mohammad Taqi Ayatollahi, Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islami, ۱۳۵۹ SH / ۱۹۸۰ CE.
۲۱. Ja'fari, Ya'qub, *Historical Insight into Nahj al-Balaghah*, Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islami, ۱۳۷۲ SH / ۱۹۹۳ CE.
۲۲. Jordan, Terry G. and Revonturi, Lester, *Introduction to Cultural Geography*, Translated by Simin Tulayi, N.p. n.p., ۱۳۸۰ SH / ۲۰۰۱ CE.
۲۳. Kamouna Hosseini, Abdul Razzaq, *Tombs of the Pure Prophetic Family*, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, ۱۳۸۹ SH / ۲۰۱۰ CE.
۲۴. Mahdavi, Masoud; Ahmadi, Ali, *Cultural Geography: Theoretical Explanation and Methodology for Use in Cultural Regional Studies*, ۱۳۹۰ SH / ۲۰۱۱ CE.
۲۵. Makarem Shirazi, Naser, *Imam's Message: A New and Comprehensive Explanation of Nahj al-Balaghah*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, ۱۳۷۰ AH.
۲۶. Manquri, Nasr bin Mazahim, *The Battle of Siffin in History*, Translator: Karim Zamani, Tehran: Rasa, ۱۳۶۴ SH / ۱۹۸۵ CE.
۲۷. Nadim, Mohammad Hassan, *The Cultural Origins of Nahj al-Balaghah*, Qom: Nashr Adyan, ۱۳۸۴ SH. / ۲۰۰۵ CE
۲۸. Qazvini, Zakariyya bin Mohammad bin Mahmoud, *Athar al-Bilad wa Akhbar al-'Ibad (Monuments of Countries and Accounts of Worshipers)*, Vol. ۱, Amir Kabir - Tehran, ۱۳۷۳ SH / ۱۹۹۴ CE.
۲۹. Rajabi, Mohammad Hossein, *Kufa and Its Role in the Early Islamic Periods*, Tehran: Printing and Publishing Institute of Imam Hossein University, ۱۳۶۵ AH.
۳۰. Rashad, Ali Akbar, *Encyclopedia of Imam Ali*, Research: Institute for Cultural and Intellectual Studies, Tehran: Contemporary Culture and Thought Institute, ۱۳۸۲ AH.
۳۱. Razavani, Mohammad Reza; Ahmadi, Ali, "Place and the Role of Culture in Shaping Spatial Identity," Nameh Pajouhesh -e- Farhangi Quarterly, Volume ۳, Number ۶, Cultural, Art, and Communication Research Institute, ۱۳۸۸ SH / ۲۰۰۹ CE.
۳۲. Roh al-Amini, Mahmoud, *Foundations of Cultural Studies*, ۲nd Edition, Tehran: Payam -e- Noor Publishing, ۱۳۷۶ SH / ۱۹۹۷ CE.
۳۳. Safari, Ne'matullah, *Kufa from Its Origin to Ashura*, Qom: Masha'r Institute of Cultural and Artistic Studies, ۱۳۹۱ SH / ۲۰۱۲ CE.
۳۴. Seyyedrezi, Mohammad bin Hossein, *Nahj al-Balaghah (Peak of Eloquence)*, Translation: Seyyed Jafar Shahidi, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, ۱۳۸۹ SH / ۲۰۱۰ CE.
۳۵. Shaku'i, Hossein, "Enlightenment Ideas in the Philosophy of Geography," Vol. ۱, Tehran: Gitashenasi, ۱۳۷۵ SH / ۱۹۹۶ CE.
۳۶. Sharif Razi, Mohammad bin Hossein, Translator: Dashti, Mohammad, *Nahj al-Balaghah (Peak of Eloquence)*, Qom: Mashhoor, ۱۳۷۹ SH / ۲۰۰۰ CE.
۳۷. Tabari, Abu Ja'far Mohammad bin Jarir, *Tarikh al-Umam wa al-Muluk (History of Nations and Kings)*, Beirut: Al-A'lami Institute for Publications, ۱۴۰۳ AH.



۳۸. Tabari, Mohammad bin Jarir, *Tarikh Tabari (History of Tabari), or Tarikh al-Rusul wa al-Muluk (History of the Prophets and Kings)*, Translation: Abul Qasim Payandeh, Tehran: Asatir, ۱۳۶۲ AH.
۳۹. Yaqut Hamawi, Shihab al-Din Abu Abdullah bin Abdullah, *Mu'jam al-Buldan (Dictionary of Countries)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۳۹۹ AH.
۴۰. Yaqut Hamawi, Yaqut bin Abdullah, *Mu'jam al-Buldan (Dictionary of Countries)*, Translator: Manzavi, Ali Naqi, Tehran: Cultural Heritage Organization of Iran, ۱۳۸۰ SH / ۲۰۰۱ CE.